

## The position and role of women in the Islamic awakening in the Middle East region

abo mahmad asgar khany<sup>1</sup>

eabdalsalam taqi<sup>2</sup>

### Abstract

There is no doubt that women have not enjoyed a desirable position and high status throughout history and have often been subjected to indifference and oppression. However, with the increasing growth of human awareness and the rapid advancement of humanities and social sciences, the question has been raised as to what is the real position of women in society and how can women's lost rights be restored. Women, as half of the human race on this planet, have played a very important role in movements, movements and revolutions throughout history.

45

Therefore, in this article, the researcher aims to examine the role of women in creating, following up and achieving the popular uprisings in the Middle East, or the Islamic Awakening, and seeks to answer the question: What was the role of women in the recent popular uprisings in the Middle East? In this article, which was conducted using a descriptive-analytical method, the researcher used library and Internet tools.

### Keywords

Islamic Awakening, Women, Feminism, Middle East, Women's Rights

---

Danishgah Stadium, Tehran <sup>1</sup>

Master's student in International Relations, University of Tehran <sup>2</sup>

## جایگاه و نقش زنان در بیداری اسلامی منطقه خاورمیانه

ابو محمد عسگر خانی<sup>۳</sup>عبدالسلام تقی<sup>۴</sup>

## چکیده

تردیدی نیست که زنان، در طول تاریخ از موقعیت مطلوب و شأن بالایی برخوردار نبوده و غالباً مورد بی مهری و ظلم و ستم واقع می‌شدند، اما با رشد روزافزون آگاهی‌های بشر و پیشرفت سریع علوم انسانی و اجتماعی، این پرسش مطرح شد که جایگاه واقعی زنان در جامعه کدام است و چگونه می‌توان حقوق از دست‌رفته زنان را استیفا کرد. زنان به عنوان نیمی از انسان‌های این کره خاکی، نقش بسیار مهمی در جنبش‌ها، نهضت‌ها و انقلاب‌ها در طول تاریخ به عهده داشته‌اند.

لذا در این نوشتار هدف محقق بررسی نقش زنان در ایجاد، پیگیری و به نتیجه رساندن خیزش‌های مردمی منطقه خاورمیانه یا همان بیداری اسلامی است و به دنبال پاسخ به این سؤال هست که نقش زنان در خیزش‌های مردمی اخیر در منطقه خاورمیانه چه بود؟ در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته است، محقق از ابزار کتابخانه‌ای و اینترنتی بهره جسته است.

46

## کلیدواژه

بیداری اسلامی، زنان، فمینیسم، خاورمیانه، حقوق زن

<sup>۳</sup> استاد روابط بین الملل دانشگاه تهران<sup>۴</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه تهران

## مقدمه

در عرصه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، علمی و فعالیت‌های گوناگون، زن مسلمان مانند مرد مسلمان حق دارد آنچه را که اقتضای زمان است و آن وظیفه‌ای را که بر دوش خود حس می‌کند؛ انجام دهد. حساسیت نقش زنان، برخاسته از عمق تأثیرگذاری زنان در تمامی عرصه‌های زندگی آن‌هاست. تردیدی نیست که زنان، در طول تاریخ از موقعیت مطلوب و شأن بالایی برخوردار نبوده و غالباً مورد بی‌مهری و ظلم و ستم واقع می‌شدند، اما با رشد روزافزون آگاهی‌های بشر و پیشرفت سریع علوم انسانی و اجتماعی، این پرسش مطرح شد که جایگاه واقعی زنان در جامعه و خانواده کدام است و چگونه می‌توان حقوق از دست‌رفته زنان را استیفا کرد. در این راستا به یقین می‌توان گفت که ادیان الهی به ویژه دین خاتم، بیش از همه به احیای شخصیت والای زن همت گماشته‌اند و خداوند متعال بهترین راه را برای سعادت و رستگاری بشر اعم از زن و مرد فراروی آنان گشوده است. از طرف دیگر فرهنگ غرب با تسلط بر امکانات مادی و مراکز ارتباطی و اطلاعاتی، سعی در تحمیل الگوی ناقص خویش بر ملت‌های جهان دارد. آنان که هنوز از سودمندی دستاوردهای خویش مطمئن نیستند و از درون، دچار چالش‌های عمیق و فراگیر شده‌اند، به تهاجم فرهنگی علیه کشورهای دیگر دست زده‌اند. لذا در این نوشتار هدف محقق به بررسی نقش زنان در ایجاد، پیگیری و به نتیجه رساندن خیزش‌های مردمی منطقه خاورمیانه یا همان بیداری اسلامی پرداخته است و به دنبال پاسخ به این سؤال هست که نقش زنان در خیزش‌های مردمی اخیر در منطقه خاورمیانه چه بود؟ در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته است محقق از ابزار کتابخانه‌ای و اینترنتی بهره جسته است. در همین پیوند نویسنده بر خود فرض می‌داند که قبل از ورود به بحث توضیحاتی پیرامون مفاهیمی چون بیداری اسلامی، حقوق زن در دیدگاه اسلامی و غربی ارائه نماید.

47

## زن از دیدگاه اسلام

یکی از عالی‌ترین برنامه‌های اسلام که این دین را سرآمد تمام ادیان قرار داده است، از بین بردن تمام بی‌عدالتی نسبت به زن بوده است. اسلام بنیان برتری‌طلبی‌های قومی، نژادی، جنسی و مالی را ویران نمود و تمام انسان‌ها از مرد و زن، غنی و فقیر، عرب و عجم، سیاه و سفید و زشت و زیبا را در یک صف قرار داد. این دین آسمانی تنها ملاک برتری را تقوا و ارزش‌های معنوی و فضائل اخلاقی دانسته است. خداوند متعال می‌فرماید: « يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ..»<sup>۵</sup>، «[ای] مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست».

از طرف دیگر، هدایت تشریحی، عام و گسترده است و به گروه خاصی اختصاص ندارد و هر کس می‌تواند از این دریای رحمت الهی حظ و بهره‌ای ببرد و راه تکامل و سعادت خویش را هموار سازد. خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»<sup>۶</sup>

ما راه را به او (انسان) نشان دادیم، خواه شاکر باشد یا ناسپاس. پس اختلاف در جنسیت، نمی‌تواند مانعی برای تکامل باشد...

<sup>۵</sup> حجرات، ۱۳<sup>۶</sup> انسان، ۳

اسلام با قوانین بی‌بدیل خود و گفتار و رفتار پیامبری که رحمه للعالمین بود، شخصیت ازدست رفته زنان را احیا کرد و او را مایه رحمت و برکت معرفی نمود، چنانکه رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «الْبَنَاتُ هُنَّ الْمَشْفِقَاتُ الْمُجَهَّزَاتُ الْمُبَارَكَاتُ، دخترها مایه رحمت، صلاح زندگی و برکت هستند.» (متقی هندی، کنز العمال).

در کشورهای غربی با آنهمه هیاهوی تبلیغاتی و شعار برابری حقوق زن و مرد تا یک قرن قبل حق مالکیت برای زنان قائل نبودند و بعد از انقلاب صنعتی - آن هم برای تشویق زنان برای حضور در کارخانه‌ها به عنوان نیروی کار ارزان قیمت - برای آنان حق مالکیت را به رسمیت شناختند؛ اما اسلام که انسان‌های کوردل و شهوت‌پرست قرن بیستم آن را به محدودیت حقوق زنان متهم می‌کنند، از قرن‌ها قبل حق مالکیت را برای زنان، به رسمیت شناخته و به هیچ کس حق تصرف در اموال آنان را نمی‌دهد. خداوند متعال به صراحت می‌فرماید: «لِلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ<sup>۷</sup>، مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند و زنان نیز نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند [و نباید حقوق هیچ یک پایمال شود]».

همچنین برای آنان به انتظار و نیاز آن‌ها در چهارچوب شریعت، حق ارث معین شده است: «لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ<sup>۸</sup>»<sup>۸</sup> و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان [به ارث] می‌گذارند، سهمی است.

در اسلام به زنان حق دخالت در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داده شده است، اما مشروط به حفظ عفاف و پاک دامنی و حریم انسانیت. اسلام از طرفی با حضور بی‌قید و شرط زنان در تمام امور و از بین رفتن حریم‌های اخلاقی مخالفت کرده و از طرف دیگر برای فعالیت‌های ضروری اجتماعی با حفظ عفت مانعی ایجاد نکرده است و راه اعتدال که سعادت آنان را در پی دارد در پیش روی آنان قرار داده است.

### زن در دیدگاه لیبرال

اگر اندیشمندان لیبرال با توسل به عملکرد کلیسای [قرون وسطی، به تدریج به شک‌گرایی دینی پرداخته‌اند، در دوران جدید، لیبرال‌ها، ایمان مذهبی را قشری‌گری خواندند. لیبرالیسم ادعا می‌کند، اندیشه‌ای روشن‌گر است و برای مبارزه با جهل و خرافه دوران قرون وسطی، قد علم کرده است. انسان‌گرایی، خودگرایی و آزادی‌عنصری هستند که اساس این مکتب را تشکیل می‌دهند. ولی یورش همه‌جانبه لیبرالیسم علیه دین، بیشتر به قرن بیستم برمی‌گردد. اصل انسان‌گرایی و اومانیزم و تأکید بر کفایت عقل و دانش او برای درک و فهم هر چیز، موجب جدا شدن انسان از مبدأ و سقوط او به دنیای مادی شد. دنیاگرایی و سودگرایی نیز بریدن او را از دین مورد تأکید قرار داد. بدین ترتیب مکتب اباحت متولد شد. این مولود، انسان عاقل نفع‌طلب را، به جای خداوند قرار داد تا برای تنها هدفش که بهره‌مندی از نفسانیات بود، تلاش کرده و هر اقدامی را که به او فایده می‌رساند، انجام دهد. مباح شدن تمامی اعمال ستوده، اعم از فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن، بر این اساس بود.

لیبرالیسم در دوران جدید، تأکید بیشتری بر فرد انگاری دارد. در لیبرالیسم جدید انسان با تکیه بر عقل خویش نجات‌دهنده خود و جهان است و نیازمند به وجود خداوند و ایمان دینی نیست. "آیزنبرلین" از متفکران جدید می‌گوید: آنچه عصر ما طلب می‌کند، ایمان قوی‌تر نیست، بلکه عکس آن است، شور مسیحایی کمتر، شک‌گرایی روشن‌گرانه بیشتر در لیبرالیسم نو، لذا مادی، حتی از نوع پست، اهمیت دارد. زیرا هر آنچه از ذهن انسانی برمی‌خیزد، مورد تأکید است. یکی از شعارهای

<sup>۷</sup> نساء/۳۲

<sup>۸</sup> نساء/۷

فریبنده که در افق فکری او مانع خودنمایی بیشتری دارد «حقوق زن» و حمایت از آن است. حمایت از زن اگر جدی و به دور از فریب کاری باشد، ارجمند است. زیرا در مکتب دین به ویژه اسلام زن جایگاه ویژه‌ای دارد؛ ولی متأسفانه آنچه در مجامع غیردینی است؛ چیزی دیگر است. (صادقی، ۱۳۸۱)

زن‌گرایی افراطی، باعث تضییع حقوق اساسی زن است. زن‌گرایان به بهانه احیا [ی] حقوق زن از هویت و ارزش زن کاستند. بدیهی است که زن‌گرایی هدایت نشده، جز این نتیجه‌ای ندارد. گرچه این تفکر (زن‌گرایی) عکس‌العمل طبیعی نادیده گرفته شدن زن و حقوق او، در تاریخ است، ولی چاره درد را نباید در فمینیسم جویا شد. آری در ادوار مختلف (جز در میان پیروان راستین انبیا) به زن، ستم رفته است. البته تفکر زن‌گرایی ریشه در او مانع دارد و دارای سابقه تاریخی نیست. در جامعه غربی مادر بودن و تربیت فرزند، تخریب و اشتغال زن در مشاغل مختلف ارزش محسوب می‌شود که طبیعتاً در چنین شرایطی زنانگی زن سرکوب می‌شود. براساس تفکر بنیادی غرب، کسب ثروت به هر شکل، روش و قالبی امکانپذیر می‌شود و در این راستا زن از جسم خود برای تولید ثروت استفاده می‌کند و به عنوان جزئی از نیروی تولید مورد استفاده قرار می‌گیرد. (عظیمی، ۱۳۹۰)

فرهنگ و اجتماع امروز غرب، بیشتر به جنبه ظرافت و جنسی زن توجه دارد؛ از طرفی او را به منزله اسباب بازی می‌داند و از سوی سوم وسیله رسیدن به هوسرانی می‌شمارد. مرد هوسران غرب، زن زیبا را به نام آرتیست، مدیست و مانکن از کانون شیرین خانواده بیرون می‌آورد و در سیاه چاله گناهش می‌اندازد تا هوس‌های غریزه را ارضا کرده باشد. دنیای غرب شرایطی برای زنان ایجاد کرده و آن را آزادی زن نام نهاده است که اگر به دقت مورد مطالعه و بررسی قرارگیرد، معلوم خواهد شد که چیزی بیش از بردگی نیست. با توجه به چنین وضعیتی، جایگاهی که برای زن در نظام اقتصادی تعریف می‌شود با یک تفکر ابزاری همراه است که پاسخگوی افزایش نیازهای مادی، اقتصادی و تبلیغی باشد. (هاجری، ۱۳۸۲: ۵۶)

تعریف جایگاه زن بر اساس چنین دیدگاهی نمی‌تواند در قالب حضور زن در خانواده باشد؛ چراکه وقتی نیروی تولید ثروت جامعه، بخش عظیمی از وقت خود را صرف تربیت فرزندان و رسیدگی به همسر خود کند، در نتیجه بخشی از فعالیت‌های وی که می‌تواند موجب افزایش مصرف در جامعه شود؛ کاملاً از بین خواهد رفت. استقلال اقتصادی زن در تفکر غربی از این جهت مورد اهمیت قرار می‌گیرد تا از این طریق پایگاه و زیرساخت اساسی جامعه که خانواده است، متزلزل شود. با چنین تعریفی هرزگی برای زن، درآمدزایی، استفاده ابزاری در تولید و حضور در آگهی‌های تبلیغاتی به منزله شغل و استخدام به عنوان منشی برای زن در دفتر کار برای جذب مشتری، ارزش محسوب می‌شود؛ اما مادری و خصوصیات اصلی زنانگی به عنوان عقب افتادگی مطرح است.

### نقش زنان در بیداری اسلامی منطقه

با نگاهی اجمالی به انقلاب‌ها و تحولاتی که از ابتدای تاریخ اسلام تا به حال به عنوان انقلاب‌هایی با ماهیت یا محتوای اسلامی شکل گرفته، درمی‌یابیم نقش زنان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محرک‌ها و تأثیرگذارترین عوامل هر انقلاب، انکار نشدنی است. هر تحول و یا بیداری و درمقیاس بزرگ‌تر، هر انقلابی مستلزم محرک و ابزار و وسایلی است که لازمه آن انقلاب، استفاده صحیح از آن ابزار محرک است. اما نقش زنان در مسائل اخیر منطقه و جریان بیداری اسلامی با توجه به تأثیرپذیری از الگوهای سرآمد زنان انقلابی در تاریخ اسلام و همچنین روحیه انقلابی زنان مبارز در کشورهای مختلفی که تحت تأثیر این بیداری قرار گرفته‌اند؛ متفاوت و قابل توجه است. این تفاوت نسبت به میزان تأثیرگذاری و الگوپذیری زنان از مبانی اعتقادی و فرهنگی در عرصه‌های مختلف به خوبی قابل درک است.

از منظر اسلام، زنان می‌توانند علاوه بر ایفای نقش پرارزش همسری و مادری در خانواده، در تمامی امور جامعه خویش نیز نقش‌آفرین باشند. در این دیدگاه، یکی از تکالیف زنان، همچون مردان، اصلاح جامعه است. بنابراین، با توجه به تفاسیر فوق‌الذکر در طول تاریخ اسلام زنان به عنوان اعضای جامعه، همواره دارای نقش‌آفرینی‌هایی در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی بوده‌اند. به طور نمونه، می‌توان از نقش حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> در دفاع از ولایت علی<sup>(ع)</sup> و یا نقش تأثیرگذار حضرت زینب<sup>(س)</sup> در قیام پرحادثه عاشورا نام برد که یکی از نمونه‌های درخشانی است که اهمیت جایگاه زنان را در تاریخ اسلام به تصویر می‌کشند. از دیگر افتخارات بانوان مسلمان این است که اولین شهیدی که در راه اسلام جان خویش را زیر شکنجه مشرکان نثار کرد، "سمیه، مادر عمار" از زنان مجاهد بود.

در عصر معاصر نیز زنان در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی نقش‌آفرینی داشته‌اند که از بارزترین نمونه‌های این حضور، در نهضت مشروطیت که آغازی بر پایان شیوه‌های حکومت خودکامه در ایران بود؛ می‌توان اثرات ارزشمند فعالیت‌های سیاسی اجتماعی و فرهنگی اقدامات زنان را به وضوح مشاهده کرد. در انقلاب مشروطیت زنان ایرانی به پیکاری خردمندان و دامنه‌دار دست زدند و مطالبات خود را در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پیش نهاد و بر تحقق آن تأکید ورزیدند. از دیگر اقدامات زنان مشروطیت به حمایت از جنبش کالاهای بومی و عدم خرید منسوجات وارد شده اروپایی اشاره کرد. همچنین به نقش پررنگ زنان در تحریم تنباکو نیز می‌توان اشاره کرد که در رسیدن به اهداف این جنبش بسیار مؤثر واقع گردید. (استوری، ۱۳۸۶: ۵۹)

انقلاب اسلامی ایران نیز یکی از مهم‌ترین حرکت‌های اجتماعی است که از این قاعده مستثنی نبوده و نقش زنان چه پیش از انقلاب و چه پس از آن حائز اهمیت است. میلیون‌ها زن ایرانی در انقلاب سال ۱۳۵۷ با قدرت هر چه تمام تر پا در صحنه نهادند. زنان ایرانی در تمامی مراحل پیروزی انقلاب اسلامی به روشنی بیان کردند که زن مسلمان ایرانی در تمام عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و... حضور دارد و اعتقادات دینی او مانع از شرکت در فعالیت‌های اجتماعی نخواهد شد و ثابت کرد که در عین حفظ دیانت و پاک‌دامنی، می‌تواند تاریخ‌ساز باشد.

هرچند در بسیاری از کشورهای عربی، زنان از آزادی‌های سیاسی بسیاری برخوردار نیستند، زنان در خاورمیانه تا قبل این خیزش‌ها در مقایسه با دیگر مناطق جهان پایین‌ترین سهم را در مشارکت سیاسی و حضور در امور مدنی و اجتماعی را به خود اختصاص داده بودند؛ به طوری که میانگین حضور زنان در مشارکت سیاسی در خاورمیانه کمتر از ۶ درصد بود. در کشورهای عربی خاورمیانه بحرین با ۱۳ درصد بیشترین سهم را در حضور زنان در امور سیاسی و مشارکت در مسائل مدنی اجتماعی را به خود اختصاص داده بود. تونس با ۱۲ درصد مشارکت در رتبه بعد قرار داشت. در سر دیگر طیف کشورهای کویت، امارات متحده عربی، قطر و عربستان با کمترین حضور زنان در عرصه اجتماعی و سیاسی قرار دارند. در این کشورها زنان حتی به برخی از حقوق اولیه مانند رانندگی و یا حق رأی دسترسی ندارند؛ اما باید بی‌اغراق گفت: "زنان در تحولات بیداری اسلامی نقش حائز اهمیتی داشتند. زنان در تحولات اخیر نقش بی‌بدیلی داشتند و هم گام با مردان برای دستیابی به حقوق اساسی خود در مبارزات سیاسی حضور پیدا می‌کردند. حضور زنان مسلمان، نشانگر رهایی آنان از قید و بندهای عرفی و مادی غرب و قیام برای کسب آزادی از شر خودکامگان سیاسی است (عباسقلی زاده، ۱۳۸۶: ۵).

نقش زنان اساس و بنیاد هر حرکت در جامعه است. او می‌تواند جامعه را به سوی ترقی و تمدن هدایت کند. مسئله مهمی که به آن باید اشاره کنم، نقش‌آفرینی زنان در ساختن افراد جامعه است. نقش زنان در رهبری گروه‌های انقلابی به عنوان

یکی از پرچم‌داران عرصه مقاومت، نقش زنان در الگوسازی و یا الگو شدن برای دیگر اقشار، نقش زنان به عنوان رهبران جهاد خاموش (به معنای رهبری کردن جهاد در خانه و تربیت نیروهای جهادی)، نقش زنان در تربیت اسلامی، نقش زنان به عنوان بسترسازان جریان بیداری اسلامی و نقش زنان به عنوان تکیه‌گاه مبارزه برای یک خانواده مبارز را می‌توان نام برد، از طرفی هر فرد جامعه از ایام کودکی، زیر نظر مادر شخصیتش شکل می‌گیرد. از کودکی می‌آموزد که در آینده چه نقشی را ایفا کند و به همین اساس جامعه اسلامی شکل می‌گیرد. "(عظیمی نژادان، ۱۳۸۳: ۳۴).

اگر مبنا و مأخذ قانون‌گذاری، وحی الهی باشد؛ از هرگونه خطا و افراط و تفریط مصون است. اما اگر قانون، ساخته فکر بشر باشد، در اکثر اوقات یا راه افراط را می‌پیماید و یا راه تفریط را. در مورد جایگاه و ارزش زن روزگاری راه تفریط در پیش روی انسان‌ها بود و زنان از حقوق مسلم خود محروم بودند؛ ولی امروزه که انسان‌ها از نظر فکری رشد کرده‌اند، مرکب تیزروی خود را به سرعت برخلاف جهت گذشته به حرکت درآورده و راه افراط را در پیش گرفته‌اند و به قول معروف برای سوارشدن بر مرکب آنچنان خیز برداشته‌اند که از طرف دیگر مرکب به زمین خورده‌اند. غرب می‌خواست حقوق از دست رفته زن را به او برگرداند؛ ولی با آزادی‌های بی‌قیدوشرط و غیرانسانی، او را از رسیدن به تکامل و انسانیت بازداشت. آن‌ها می‌خواستند زن را از بردگی نجات دهند، ولی او را به بردگی مدرن کشانیده‌اند؛ اما اسلام راه میانه و اعتدال را فراروی انسان‌ها قرار می‌دهد که پیمودن آن موجب سعادت و موفقیت در دنیا و آخرت می‌شود.

در نهایت امر باید گفت با شکست الگوی زن مدرن در غرب، تحولات بیداری اسلامی و مطالبه‌ای که جهان از یک الگوی جدید زن دارد، به نظر می‌رسد که فرهنگ ایرانی اسلامی می‌تواند پاسخ صریح و جامعی را در خصوص مسائل زنان ارائه کند. در این میان اما به نظر می‌رسد ایجاد یک الگوی بومی از زنان و حل آسیب‌های پیش روی این قشر، از ضرورت‌های ابتدایی به حساب می‌آید.

همان گونه که شاهد هستیم ماه‌هاست مردم برخی کشورهای خاورمیانه با اقدامات اعتراضی خود، در پی تغییرات اساسی در نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورهای خود هستند. در این میان، علیرغم تبلیغات دولت‌های غربی مبنی بر عدم مشارکت زنان مسلمان در امور کشور خود، حضور آنان همدوش مردان در این حرکت‌های اعتراضی نشان از حضور مؤثر و بیداری اسلامی زنان مسلمان منطقه دارد. زنان مصری با حضور پررنگ خود در میان تظاهرکنندگان و در جای جای مصر ثابت کردند آنچه غربیان در مورد انزوای زنان مسلمان می‌گویند دروغی بیش نیست. مشارکت زنان در انقلاب تونس، لیبی و یمن نیز توجه جهانیان را به خود معطوف کرده‌است. حضور زنان مسلمان نشانگر رهایی آنان از قید و بندهای عرفی و مادی غرب و قیام برای کسب آزادی از شر خودکامگان سیاسی است. در بحرین نیز انبوهی از زنان محجبه مسلمان در کنار دیگر هم وطنان خود، خواستار سرنگونی خاندان آل خلیفه هستند. بیداری اسلامی در زنان بحرینی، نشانگر آگاهی آنان درباره نقش مؤثر و سرنوشت‌ساز خود در اصلاح جامعه خویش است. از جمله زنان برجسته‌ای که در این بیداری اسلامی علیه دولت آل خلیفه خروشیده‌است؛ خانم «آیات القرمزی» است.

با آغاز بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه، زنان در خط مقدم انقلاب‌ها به مبارزه با ظلم و جور حاکمان برخاستند و سهم خود را پرداختند. این انقلاب‌ها در درجه اول، انقلاب علیه باورهای غلط جهانیان به زنان مسلمان عرب بود که آنان را طفیلی و به حاشیه نگهداشته شده می‌شمردند و با این خیزش‌ها بود که جهان را به تعظیم در مقابل زنان انقلابی و خودباور واداشت. (خبرگزاری زنان، ۱۳۹۱)

مشارکت پررنگ زنان مسلمان محجبه در خیزش‌های مردمی در کشورهای عرب، در حقیقت خط بطلانی بر تفکرات متحجرانه و تبلیغات مغرضانه ضد اسلامی است. انقلاب‌های مردمی در کشورهای عربی نه تنها ساختار استبدادی حکومت این کشورها را به لرزه درآورده، بلکه بسیاری از دیدگاه‌ها را از جمله در خصوص زنان جهان عرب و اسلام، تغییر داده است. به واقع، زنان مسلمانی که در رخدادهای ماه‌های گذشته در تونس، مصر و حتی اجتماع بشدت محافظه‌کار یمن ظاهر شدند، ذهنیت موجود در خصوص زنان عرب جهان اسلام را به عنوان افرادی محبوس در خانه، خاموش و کم‌اهمیت، تغییر داده‌اند. زنان مسلمان نه تنها در جنبش‌های اعتراضی در آن کشورها فعالانه مشارکت دارند که حتی نقش‌های پررنگ تری همچون رهبری را نیز به عهده گرفته‌اند. این زنان در سازماندهی تظاهرات و تجمعات، بسیج مردم و ابراز خواسته‌ها و مطالبات خود در زمینه اصلاحات و تغییرات نقش آفرینی می‌کنند.

حضور فعال این زنان و همراهی آنان با دیگران در خیزش‌های مردمی، از یک سو تعریف متحجرانه از زن را به عنوان پرورش دهنده صرف فرزندان، فردی محبوس در خانه و تحت سلطه همسر و بستگان مرد خود رد می‌کند و از دیگر سو، خط بطلانی هم بر دیدگاه غربی و نئولیبرالی است که به زنان مسلمان از منظر الگوی طالبان نگاه می‌کند. از منظر این دیدگاه، زنان جهان اسلام موجودات ترحم‌برانگیزی هستند که روشنفکران، سیاستمداران یا حتی ارتش باید از آنان حمایت کنند.

اما با همه این تفاسیر در جوامع اسلامی در جهت پیشبرد اهداف و مقاصد زنان باید چند نکته را مدنظر داشت که از مهم‌ترین این نکات این مطلب است که هم‌زمان با تلاش زنان برای برابرتر ساختن شرایط زندگی و حضور فعالانه‌تر داشتن در عرصه اجتماع در منطقه خاورمیانه به خصوص در کشورهای عربی این منطقه، مسئله بسیار حیاتی در تعیین چشم‌انداز آینده تحول در منطقه در باور و عزم و اراده‌ی نخبگان سیاسی است که به این باور برسند که مشارکت افزون‌تر زنان در روندهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور امری ضروری است. تنها در این حالت است که توسعه همه‌جانبه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در این کشورها تحقق پیدا خواهد کرد و مشکلاتی که در خصوص نابرابری‌های جنسیتی وجود دارد، حل و فصل خواهد شد.

#### منابع

۱- قرآن کریم

۲- صادقی، ۱۳۸۱، «زن در اندیشه لیبرالیسم» قابل دسترسی در سایت: بازیابی در ۲۴ شهریور

<http://www.hawzah.net/fa/MagArt?MagazineArticleID=2838>

۳- عظیمی عباسعلی، ۱۳۹۰، «ارزش زن به درآمدزایی اوست» قابل دسترسی در سایت: بازیابی در پنج‌شنبه ۱۳۹۰/۳/۱۹

<http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=168270>

۴- خیرگزاری زنان، ۱۳۹۱، «زنان بحرینی سمبل مقاومت زن مسلمان در جهان» قابل دسترسی در سایت: بازیابی در ۱۴/۲/۱۳۹۰

<http://womenrc.ir/News/68678.htm>

۵- هاجری عبدالرسول، ۱۳۸۲، «فمینیسم جهانی و چالش‌های پیش‌رو» نشر بوستان قم

۶- عظیمی نژادان شبنم، ۱۳۸۳، «زن، معمار جامعه مردسالار»، تهران، اختران

۷- کنز العمال، متقی هندی، مؤسسه الرساله، ج ۱۶، ص ۴۵۴، ح ۴۵۳۹۹

- ۸-عباسقلی زاده محبوبه، «۶۸۳۱ جنبش زنان حرکت از سازمان‌های غیردولتی به شبکه‌های شناسنامه-دار»، میدان زنان، ۱۷ اسفند.
- ۹- استوری جان. ۱۳۸۶، «مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه». ترجمه حسین پاینده. چاپ یکم. نشر آگه